

پیامدهای امنیتی سفر پزشکیان به بلوچستان



نادر شفیعی

کارشناس مسائل شبه قاره

سفر رئیس جمهور به استان سیستان و بلوچستان بعد از یکسری اتفاقات در این استان انجام شده که آن اتفاقات هنوز هم ادامه دارد، اعتراض هایی که معمولاً در روزهای جمعه اتفاق می افتاد یا قبل از آن هم در شکل های دیگری اتفاق افتاده بود و همین طور صحبت هایی که معمولاً در نماز جمعه آقای مولوی عبدالحمید مطرح می کردند، از سوی دیگر اینکه اساساً سیستان و بلوچستان یک استان عقب مانده و محروم در قیاس با سایر استان های ایران است. وقتی این اعتراضات و محرومیت استان را در کنار یکدیگر قرار می دهیم سفر دکتر پزشکیان معنا پیدا می کند. آقای پزشکیان در برنامه های تبلیغاتی انتخابات معتقد به عدالت بود، در تعریف عدالت هم بخشی معطوف به توزیع عادلانه ثروت و منابع بود، آن زمینه های پیشینی و به علاوه شعار آقای پزشکیان مبنی بر درپیش گرفتن مسیر عدالت و انجام این سفر به عنوان اولین سفر استانی ایشان به ما می گوید که اساساً بعد از قدرت گیری آقای پزشکیان توجه به مناطق محروم بخشی از سیاست های ایشان است. فرض آقای پزشکیان این است که آنچه در بلوچستان تحت عنوان ناراضی ها اتفاق می افتد ناراضیاتی نسبت به نوع حکومت یا حتی تمایل به تجزیه طلبی نیست بلکه آن چیزی که باعث ناخرسندی در بلوچستان شده بحران توزیع منابع است. ایشان با این فرض به سیستان سفر کردند و مسائل و چالش های استان را دیدند و به قول خودشان هم درک درستی از وقایع پیدا کردند و هم به ظرفیت های استان پی بردند. اینها کمک می کند که روند توسعه در استان سیستان و بلوچستان حرکت رو به رشد پیدا کند و احتمالاً اگر نتایج ملموس و عینی داشته باشد خیلی ناراضیاتی هایی که در استان سیستان و بلوچستان وجود دارد، فروکش می کند و در عین حال یک دوگانه ای هم شکل می گیرد. در این دوگانگی بین کسانی که اساساً تحت تاثیر قدرت های خارجی دنبال تجزیه بلوچستان هستند با آنهایی که واقعا نسبت به توزیع منابع اعتراض دارند تفکیک ایجاد می شود. در آنزمان حاکمیت می تواند مثل هر کشوری در سراسر جهان که برای تمامیت ارزی اش احترام قائل است با تجزیه طلبان برخورد جدی تر و شفافتری داشته باشد. تحت این شرایط خیلی از مردم بلوچ هم حاکمیت را حمایت خواهند کرد، چون اساساً وفاداری بلوچ ها به تمامیت ارضی ایران بسیار بالاست، بخشی از افراد که ممکن است تحت تاثیر سوءاستفاده بیگانگان قرار گرفته باشند آنجا بر اساس یک تصور باطل ممکن است گرایش های تجزیه طلبانه ای هم داشته باشند. علی ایحال به نظر می رسد این سفر در زمان و مکان خوبی انجام شد. البته یک چالش هم وجود دارد و آن اینکه منابع کشور بتوانند این سیاست را پشتیبانی کنند و به عبارت دیگر در شرایط فعلی شاید اوضاع و احوال اقتصادی کشور به گونه ای نباشد که آن ایده آل هایی که رئیس جمهور دارد در بلوچستان عملی شود ولی همین که هر آنچه منابع موجود در کشور است بخش مهمی از آن به سمت منطقه محروم شیفت داده می شود این خود می تواند برای مردم سیستان و بلوچستان و حتی برای کل کشور بسیار خوشایند باشد. یعنی خیلی از استان ها در کشور هستند با اینکه خودشان محروم هستند اما چون بلوچستان و بعضی از مناطق دیگر محروم تر هستند تمایل دارند که در چارچوب یک سیاست تبعیض مثبت به منطقه بلوچستان توجه ویژه ای شود.

خبر

علی محمد نمازی مطرح کرد

چهار عامل بازگشت لاریجانی به عرصه سیاسی



علی لاریجانی بعد از چند سال کناره نشینی بار دیگر به عرصه سیاست بازگشته، اما نقش کنونی او در عرصه سیاسی را چطور باید تعریف کنیم و آیا احتمال دارد که او دبیر شورای عالی امنیت ملی شود؟ یک فعال و تحلیلگر سیاسی، درباره این موضوع اظهار داشت: چهار عامل باعث شد که آقای لاریجانی بار دیگر در عرصه سیاسی حضور یابند. نخستین مورد تغییر شرایط مبتنی بر روابط میان ایران و آمریکا است و در مدت اخیر درگیری های گسترده ای در منطقه رخ داد و اسرائیل درگیری های نظامی شدیدی داشته است. ایران هم تا سرحد جنگی تمام عیار با اسرائیل پیش رفت. در این شرایط انتظار می رود که ایران و آمریکا مشکلات فی مابین خود را حل کنند و در این شرایط نیاز بود تا فردی مسلط نسبت به اوضاع منطقه وارد عمل شود. مساله دوم آن است که آقای لاریجانی هماهنگی بسیار زیادی با رهبر انقلاب دارد. او در همه این سال ها چه زمانی که دبیر شورای عالی امنیت ملی بود و چه در دوران ریاستش بر مجلس حتی سعی می کرد بیانات رهبری را عیناً و بدون هر تغییری بیان کند. موضوع سوم رابطه خوبی است که بین آقای لاریجانی و آقای پزشکیان وجود دارد. دیدیم که بعد از سخنان اخیر آقای لاریجانی، آقای پزشکیان حمایت کاملی از او کرد. موضوع چهارم هم توانایی بالای آقای لاریجانی در حوزه سیاست و به ویژه سیاست خارجی است. این چهار عامل باعث شده است که رهبر انقلاب به او در این شرایط حساس اعتماد کنند و او بتواند دوباره به عرصه سیاست بازگردد و نقش آفرینی کند. این فعال سیاسی همچنین بیان کرد: اکنون شرایط به گونه ای است که می شود با آمریکا وارد مذاکره کرد. آقای لاریجانی هم در این چندوقت سخنان خوبی مطرح کرده است. او هم از احتمال مذاکره با آمریکا سخن گفته و هم آنکه موضع ایران در برابر آمریکا را تضعیف نکرده است؛ به نحوی که اگر گفته می شود با آمریکا مذاکره کردن این قید را آورده است که به مشروط به پذیرش شرایط ایران از سوی آمریکا. به نظرم کاملاً مناسب است که آقای لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت ملی شود.

اشرف بروجردی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

قرار نیست اصلاح طلبان پشت پزشکیان را خالی کنند

وفاق ملی به شکلی شده که

پایداری چی ها گمان می کنند باید بر مسند کار باشند

وضعیت اقتصادی مردم بسیار دشوار است



این در حالی است که همه دغدغه ما این بود که مدیریت کشور به صورت اصولی انجام نمی شود و تفاوتی هم نمی کرد که مدیرانی که حضور دارند اصلاح طلب باشند یا اصولگرا. آنچه حائز اهمیت بود این بود که رویکرد صحیحی در مدیریت کشور وجود داشته باشد و همه چیز به صورت تخصصی مدیریت شود. واقعت این است که در دوران آقای رئیسی برخی افراد به کار گمارده شدند که حتی الفبای مدیریت را هم نمی دانستند. اتفاقی که رخ داده این است که همین افراد پس از پیروزی آقای پزشکیان انتظار داشتند که رئیس جمهور جدید همچنان آنها را در سمت های خود حفظ کند تا این افراد به کار خود ادامه بدهند. در ادامه ما حاصل این گفت و گو را می خوانید.

آرمان ملی - احسان انصاری: دکتر اشرف بروجردی از ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ معاون فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و از ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران بود. او نخستین زنی است که به ریاست سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران رسید. وی همچنین اولین معاون زن در وزارت کشور پس از انقلاب ۱۳۵۷ شد و در کنار عبدالنوری و سید عبدالواحد موسوی لاری به ایفای نقش پرداخت. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی مهم ترین چالش ها و فرصت های پیش روی دولت آقای پزشکیان با دکتر بروجردی گفت و گو کرده است. بروجردی معتقد است: «شرایط به شکلی است که برخی بایداری چی ها تصور می کنند همچنان باید در دولت پزشکیان بر مسند کار باشند.

هدف دولت این است که آرمان های بلند انقلاب را محقق کند که ایرانی در هر کجای جهان به عنوان یک ملت فرهیخته و دارای فرهنگ شناخته شود. فعلاً چنین نگاهی وجود ندارد

من به همه مدیرانی که انتخاب شده اند نیست و در بین این مدیران افراد دارای صلاحیت و شایستگی وجود دارند و در عین حال برخی افراد هم هستند که از توانایی کافی برخوردار نیستند. وجود چنین افرادی غالباً سدی در برابر حرکت کشور به سوی توسعه و پیشرفت است. هدف دولت این است که آرمان های بلند انقلاب را محقق کند که ایرانی در هر کجای جهان به عنوان یک ملت فرهیخته و دارای فرهنگ شناخته شود. فعلاً چنین نگاهی وجود ندارد.

با توجه به شرایط موجود حد و مرز حمایت اصلاح طلبان از دولت آقای پزشکیان تا کجا و چه زمانی خواهد بود؟

هنوز برای اینکه برای حمایت اصلاح طلبان از دولت پزشکیان حد و مرز تعیین کنیم زود است. ما امیدواریم که آقای پزشکیان به زودی دقت لازم را برای عزل و نصب مدیران به دست بیاورند و امیدواریم کسانی کرسی های قدرت را در اختیار داشته باشند که با خط مشی آقای پزشکیان همسو باشند و گفتمان توسعه و پیشرفت کشور را دنبال کنند. نکته دیگری که وجود دارد این است که

امیدواریم کسانی کرسی های قدرت را در اختیار داشته باشند که با خط مشی آقای پزشکیان همسو باشند و گفتمان توسعه و پیشرفت کشور را دنبال کنند

اصلاح طلبان قصد خالی کردن پشت پزشکیان را ندارند و بلکه دنبال این هستند که همچنان از دولت حمایت کنند. با این وجود این حمایت ها باید به صورتی باشد که بین دولت و حامیان اصلاح طلب وی هماهنگی و همراهی وجود داشته باشد.

بهبود وضعیت معیشتی و رفع فیلترینگ از جمله شعارهایی بود که آقای پزشکیان مطرح کردند و مردم نیز برای تحقق این شعارها به ایشان رأی دادند. پزشکیان به چه میزان در این زمینه ها موفق بوده و چه موانعی پیش روی وی است؟

واقعت این است که مردم بیشتر به صداقت آقای پزشکیان رأی دادند تا وعده هایی که داده است. از سوی دیگر آقای پزشکیان وعده های زیادی هم به مردم ندادند و تنها عنوان کردند تلاش خواهند کرد مشکلات مردم را حل کنند. در مورد رفع فیلترینگ باید گفت هنوز شورای

قاسم محبعلی:

در مکانیزم ماشه رای چین و روسیه مؤثر نیست

هستند، شامل انگلیس، فرانسه و آمریکا می شوند و چون شاکی هستند، رأی منفی خواهند داد. بنابراین، رأی مثبت چین و روسیه در اینجا اثربخش نخواهد بود، مگر اینکه قطعنامه ای علیه ایران صادر شود. در این صورت چین و روسیه فرصت دارند، آن را هسته ای، اظهار کرد؛ شورای امنیت نیازمند ماشه، موافقت چین و روسیه به اصطلاح مؤثر نیست. این تحلیلگر مسائل بین الملل درباره این موضوع که ایران چطور می تواند به یک توافق برد-برد دست پیدا کند، خاطرنشان

می شود، شورای امنیت نیز آن را تأیید خواهد کرد. کشورهای دیگر نیز ناچار خواهند بود که از مناسبات تجاری و اقتصادی با ایران بر اساس قطعنامه خودداری کنند. وی در رابطه با مذاکرات ایران با کشورهای E۳ و اوکشن چین و روسیه در این روند مذاکرات هسته ای، اظهار کرد؛ شورای امنیت نیازمند یک قطعنامه جدید برای ادامه برجام و لغو قطعنامه های شش گانه پیشین است، بنابراین چین و روسیه حتماً باید رأی مثبت بدهند. اما طرف های مقابل که شاکی

تلنگر

وفاق اقتصادی، بنیان وفاق ملی

امید علی بابایی

تحلیلگر مسائل اقتصادی

اگر به واژه نامه ها مراجعه کنید واژه وفاق را مترادف با همراهی و همدلی، همکاری و ارتباط و متضاد با نفاق می بینید؛ این یعنی اولین قدم برای رسیدن به وفاق، دور شدن از رفتارها و تصمیم هایی است که منجر به نفاق می شوند. وفاق ملی در هر زمینه ای باید در سه وجه بین مسئولین با یکدیگر، مردم با یکدیگر و مسئولین با مردم بررسی شود؛ وفاقی که بنیان آن وفاق اقتصادی است که اگر به معنای واقعی خود ایجاد شود، باعث استحکام پایه های وفاق ملی نیز شده و ماحصل آن پیشرفت ایران خواهد بود. یکی از بزرگترین مضلات جامعه ما در سال های گذشته و حتی دهه های اخیر، عدم وفاق بین مسئولین با یکدیگر است. مسئولین ما حتی در یک دولت واحد برای سیاست گذاری های اقتصادی به صورت ناموزون و ناهماهنگ عمل کرده، هرکدام ساز خود را می زنند و در عین حال که ادعای استفاده از نظرات کارشناسان و همکاران خود را دارند، ایده های آنان را به سختی در فرآیند تصمیم سازی خود پذیرفته یا به راحتی از آن ایده ها عبور می کنند. می توان نظرات کارشناسان هر طیف راشیندو اگر مغایر با برنامه های جاری نبود از آنها بهره برد. موضوع دیگر، نحوه چینش و انتخاب سیاست گذاران و متولیان امور اقتصادی است. با نگاه خوش بینانه، تصمیم سازان اقتصادی ما از دو گروه اقتصاددانان آکادمیک و همچنین فعالین اقتصادی و تجار تشکیل می شوند اما در مقابل، قاطبه تصمیم گیران اقتصادی افرادی آکادمیک بوده که بسیاری از آنان با امور جاری و دغدغه های روزمره تجار آمیخته نیستند. همین موضوع که اتفاقاً می تواند با هم اندیشی های مستمر منجر به ایجاد رابطه دوستانه بین دولت و بازار شود، همیشه محل جدال و تنش بین این افراد بوده است. اقتصاددانان، سایرین را به عدم نگاه و نداشتن دانش منظم کرده و فعالیتین اقتصادی، اقتصاددانان را کرده و از شرایط دادوستد های روزمره خیر نداشتند، خطاب می کنند. شاید نیاز باشد که تعامل بین دانش تئوری و تجربیات عملی بیشتر شود تا باعث همگرایی و وفاق بیشتر در بین مسئولین شود. شاید بد نباشد باز هم یادآوری کرد که سیاست گذاری هایی که منجر به ایجاد نفاق در جامعه نشود، بهترین و اولین قدم برای ایجاد وفاق بین مردم با یکدیگر خواهد بود. در کشورهای پیشرفته، بنگاه های اقتصادی کوچک و متوسط، ساختار اصلی نظام تولید را تشکیل می دهند. این نوع بنگاه ها باید به صورت مستقیم از طرف دولت پشتیبانی شده تا بتوانند در مقابل بنگاه های بزرگ توانایی مراقبت از خودشان را داشته باشند تا به فعالیت خود ادامه داده و آن را گسترش دهند. رفع انحصارهای موجود در صنعت و بروسه تولید که معمولاً به پشتوانه سرمایه های هگفت افراد فوق ثروتمند و یا با استفاده از رانت ایجاد می شود عامل اصلی نفاق بوده زیرا به واسطه همین انحصار، بنگاه های کوچک و متوسط، تحت سیطره بنگاه های بزرگ قرار می گیرند و نه تنها توانایی رقابت با این بنگاه ها را از دست داده بلکه به صورت مستقیم برای ادامه فعالیت در بازار، به بنگاه های بزرگتر وابسته خواهند شد. یکی از مسیرهای ایجاد این نابرابری در دریافت تسهیلات بانکی مشهود است؛ سهل الوصول بودن دریافت وام های کلان برای بنگاه های بزرگ در مقایسه با شرایط دشوار دریافت همین نوع وام در مقیاس کوچک برای سایر بنگاه ها در حالی که تفاوت نرخ بهره بانکی با بازارهای دیگر بسیار متفاوت است معضلات زیادی را ایجاد می کند. همین موضوع که دولت و سیاست گذاران باعث ایجاد آن می شوند منجر به تبعیض شده و مردم را در مقابل یکدیگر قرار می دهد. هما نظور به اشاره شد سیاست گذاری های اشتباه دولت ها عامل اصلی نفاق بین مردم است اما باید دقت داشت که این اشتباهات، مسئولین و مردم را نیز در مقابل یکدیگر قرار می دهد. نمونه واضح این موضوع، سیاست های است که باعث محدودیت دسترسی به برخی کالاها می شود و مردم را مجبور به استفاده اجباری از برخی کالاها با قیمت های گزاف می کند. پافشاری بر این سیاست های نادرست که سال هاست از طرف مردم به گوش مسئولین رسیده و نه تنها برای آن کاری نکرده اند بلکه این سیاست غلط را در صنایع دیگر نیز پیاده کرده اند، بین مسئولین و مردم نیز فاصله انداخته است. مثال بارز این نوع سیاست گذاری، صنعت خودرو کشور است. وقتی مردم مجبوری شوند خودرویی که کیفیت و قیمت آن نامتناسب است را بخرند و خودروهای با کیفیت خارجی هم اگر در دسترس باشند، چندین برابر قیمت جهانی معامله می شوند، اصراً مردم چنین رفتاری از طرف سیاست گذاران، از طرف مردم نوعی جدال تلقی شده و اعتماد بین مردم و مسئولین را کاهش می دهد. با تمام اوصاف و توضیحات یادگفت در هر شرایطی ایجاد وفاق اقتصادی به عنوان بنیان و زیربنای وفاق ملی، وظیفه مسئولین است.

عالی فضای مجازی همراه نشده است و این شورا باید در این زمینه موضع خود را روشن کند. خبرهایی که در این زمینه وجود دارد حکایت از این دارد که سران هر سه قوه با رفع فیلترینگ موافق هستند. با این وجود این شورای عالی فضای مجازی است که باید در این زمینه تصمیم گیری کند. البته من فکر می کنم اگر آقای آذری جهرمی بود بهتر و با سرعت بیشتری می توانست این کار را پیش ببرد. در زمینه وضعیت اقتصادی مردم باید عنوان کرد وضعیت بهتر که نشده و بلکه سخت تر نیز شده است. در شرایط کنونی وضعیت زندگی اقتصادی مردم بسیار دشوار است و این موضوع زینده جمهوری اسلامی نیست. وضعیت نامناسب اقتصادی مردم باعث شده که اعتماد مردم نسبت به گذشته ضعیف شده است. در شرایط کنونی آقای پزشکیان در حال تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی مردم است. این در حالی است که بهبود وضعیت اقتصادی به صورت دستوری و از بالا و به پایین صورت نمی گیرد و بلکه نیازمند دانش و استراتژی است که باید در دستور کار دولت قرار بگیرد. من فکر می کنم در این دو مورد باید یک فرصت دو یا سه ماهه دیگر به دولت آقای پزشکیان داد که با قیمت کالاهای مورد نیاز مردم کاهش پیدا کند و یا اینکه حقوق ها افزایش پیدا کند. این وضعیت درباره فیلترینگ نیز وجود دارد و اگر دولت نتواند در ماه های آینده به این دو وعده خود عمل کند در آینده با چالش های بیشتری مواجه خواهد بود.

یکی از شعارهای مهم آقای پزشکیان در رقابت های انتخاباتی تعامل با جهان بوده است. این در حالی است که مذاکرات هسته ای در روزهای آینده از سر گرفته می شود. با این وجود به قدرت رسیدن ترامپ در آمریکا بسیاری از معادلات بین المللی را بهم زده است. در چنین شرایطی پزشکیان چگونه می تواند به وعده هایی که در این زمینه داده عمل کند؟

آقای پزشکیان درباره تعامل با جهان صحبت کرده و می داند این موضوع هنوز عملیاتی نشده است این در حالی است که در کشور ما شرایط به شکلی است که هر کسی به خودش اجازه می دهد درباره آینده کشور و روابط بین الملل اظهار نظر کند. به عنوان مثال یک مقام غیرمسئول که در حوزه های دیگری مسئولیت حساس دارد، نباید درباره سیاست خارجی اظهار نظر کند و چشم انداز مشخص کند. برخی ها به واسطه اینکه در جایی مسئولیت دارند، در همه حوزه های غیر مرتبط هم اظهار نظر می کنند. ناظری که از بیرون به موضوع نگاه می کند، آن اظهار نظر را حرف نظام تلقی می کند و نتیجه نهایی آن هزینه بیشتر برای کشور می شود. راه صحیح در این زمینه این است که کسانی که از دانش و تخصص لازم در عرصه بین المللی برخوردار هستند باید در این زمینه اظهار نظر کنند. در شرایط کنونی ما با سه مشکل مهم در عرصه بین المللی مواجه هستیم. نخست تحریم های بین المللی، دوم برجام و سوم پذیرفتن FATF است. برای حل این مشکلات نیز ما نیازمند صدای واحد در کشور هستیم و به اینکه مقامات سیاسی به یک شکل اظهار نظر کنند و در مقابل مقامات دیگر مواضع دیگری اتخاذ کنند. بدون تردید جامعه جهانی دوگانگی در عرصه بین المللی را از ما نمی پذیرد.

کرد؛ سیاست خارجی براساس اصل هزینه و فایده است. هراقدامی در دیپلماسی بر اساس داد و ستد است؛ باید چیزی را داد و چیزی را گرفت. این هزینه و فایده ها را باید محاسبه کرد. طبیعی است که هیچ اقدامی در روابط خارجی بدون هزینه نیست، اما هزینه مذاکرات دیپلماتیک با اروپا و آمریکا به مراتب کمتر از وضعیت فعلی خواهد بود. هیچ کسی نمی تواند ادعا کند که همه خواسته های ما برآورده خواهد شد، زیرا طرف های مقابل به دنبال منافع خود هستند و ما هم باید به دنبال منافع خود باشیم. اما بدون شک هزینه این مذاکرات از هزینه هایی که در سال های گذشته بر اثر تحریم های هسته ای پرداخت کرده ایم که به میلیارد ها دلار می رسد، کمتر خواهد بود.